

# شبهه

## تاریخ اسلام

سید صفر رحیمی

### زید بن علی بن الحسین علیه السلام

زید بن علی مردی بغایت فاضل، شجاع، پارسا و موصوف به «حلیف القرآن» بود چه هیچ گاه از قرائت کلام الله مجید بزرگنار نبود، فرقه زیدیه که در پی، از آن به اختصار سخن خواهیم گفت بد و منسوبند.

«در آیام بنی امیه ارتکاب مناهی و محرمات و فسق و فجور چنان شیوع یافته بود که در هیچ زمان چنان مشهود نبود؛ زید این جمله را در دل می نهفت و آن گاه که با موافقان می گفت آتش در کانون خاطرش شعله همی کشیده طاقت صبوری بروی دشوار گشت تا سموم بغض و کینه هشامیان نیز بر آن آتش دامن زده آن جناب را بر خروج ناچار ساخت.»<sup>۱</sup>

در بعض تواریخ مسطور است که روزی زید در مجلس هشام در آمد، سلام کرد، هشام گفت: «لا سلام الله علیک» زید گفت: «اتق الله»، هشام گفت: تو بر رغم من با من جدل می کنی؟! آن گاه دستور داد تا زید را از مجلس اخراج کردند و چون زید بیرون رفت شنیدند که با خود می گفت: «ما احب الحیاةَ اَحَدُ الاَ ذَلَّ»

«بنی امیه تا آخر خلافت خود، کنیززادگان را پست می شمردند و آنان را به

ولیعهدی انتخاب نمی کردند و همین که زید بن علی بن الحسین مدعی خلافت شد، هشام بن عبدالملک او را ننگین خوانده گفت: تو که مادرت کنیز است چگونه ادعای خلافت داری؟ زید در پاسخ وی گفت: مادرها که نمی توانند مردان را از هدف خودشان برگردانند، مگر مادر اسماعیل (هاجر) کنیز نبود؟ با این همه اسماعیل پیغمبر شد و بهترین مردان، محمد (ص) از فرزندان اسماعیل کنیززاده، در آمد. علویان از نظر مخالفت با امویان بیشتر با کنیزان ازدواج می کردند و به همین جهت موالیان از دوستان علویان شدند.»<sup>۲</sup>

« هشام مدتی نسبتاً طولانی خلافت کرد (شعبان ۱۰۵ - ربيع الثانی ۱۲۵ هـ.ق.)؛ این حکومت طولانی بد و فرصت داد تا به اصلاحاتی بپردازد. چون خود، مردی کوشا و صرفه جو بود می خواست با گماردن مأموران لایق بر ایالت کارها را سرو صورتی بدهد و در آمد دولت را افزایش دهد... اما مردن عمر بن عبدالعزیز و روی کار آمدن یزید بن عبدالملک پس از وی، و در گیریهای مجدد عدنانی و قحطانی امیدی را که برای اصلاح درد لها پیدا شده بود از میان برد و مقدمات شورش آشکار گشت. از سوی دیگر خوارج نیز به کوشش برخاستند. همچنین دسته های ضد حکومت عربی زیر پوشش تشیع نیز دست به کار شدند؛ اگر در چنین مرحله ای از تاریخ ولبانی دلسوز و مردم دوست و موقع شناس در شهرها بر سر کار می بودند که از ستم می کاستند و رضایت مردم را می خواستند، احتمال می رفت سالیانی چند [پایان] حکومت اموی به عقب افتد، لکن گویی این فرماندهان می دانستند کار این خاندان به آخر رسیده است و تا دیر نشده آنان باید بار خود را ببندند.

خالد بن عبدالله قسری که بر عراق و منطقه شرقی حکومت می کرد سیاست حجاج بن یوسف را [در] پیش گرفت؛ این خالد مردی عامی بود و به طوری که نوشته اند حتی قرآن را هم درست نمی دانست! روزی به هنگام خواندن خطبه آیه ای را به غلط خواند و در ماند؛ مردی از دوستان او از تیره تغلب برخاست و گفت: امیر کار را بر خود آسان گیر هیچ مرد عاقلی را ندیدم که قرآن را از بر بخواند، از بر کردن قرآن کار احمقان است! خالد گفت راست گفتی. ستمکاری خالد در عراق بدان جا رسید که هشام ناچار او را از کار برکنار کرد.

در حکومت جانشین او شیعیان کوفه گرد زید فرزند علی بن الحسین (ع) را گرفتند و او را به جنگ حاکم برانگیختند؛ لیکن چنان که شیوه این مردم بود، نخست چندان

شور و هیجان نشان دادند که گفتند زید مهدی اَمت است اما سرانجام به بهانه‌های واهی او را ترک گفتند.<sup>۳</sup>»

ابوالفرج اصفهانی و احمد بن یحیی بلاذری<sup>۴</sup> در کتاب خود فصل نسبت مشیعی به قیام زید بن علی اختصاص داده‌اند؛ از جمله ابوالفرج آورده است:

«علی بن احمد بن حاتم به سند خود از زکریا بن یحیی الهمدانی نقل کرده گوید: من به آهنگ انجام حج از دیار خود بیرون شدم و گذارم به مدینه افتاد در آنجا با خود گفتم خوب است به خانه زید بن علی روم، و چون بدان جا رفتم و بر آن جناب سلام کردم شنیدم که به این اشعار تمثّل می‌جست:

وَمَنْ يَطْلُبُ الْمَالَ الْمُمْتَعِ بِالْقَنَا يَعْشُ مَا جِدَّ أَوْ تَخْتَرِمَهُ الْمَخَارِمُ  
مَتَى تَجْمَعُ الْقَلْبَ الزَّكِيَّ وَصَارِمًا وَأَنْفًا حَمِيًّا تَجْتَنِبُكَ الْمَظَالِمُ  
وَكُنْتُ إِذَا قَوْمٌ غَزَوْنِي غَزَوْتُهُمْ فَهَلْ أَنْفَى ذَايَالَ هَمْدَانَ ظَالِمِ  
۱- هر که مال بزرگی را به دستبازی نیزه بجوید از دو حال خارج نیست یا به سربلندی و شرافتمندانه زندگی کند و یا در بدری در کوهها و بیابانها او را از پای در آورد.

۲- هر گاه دلی پاک و شمشیری بر آن و دماغی با غیرت و تعصب در خود گرد آوری، آنها تو را از ستم کشیدن و زور شنیدن باز دارند و کسی به تو ستم نکند.

۳- هر گاه قومی با من بجنگد من ناچار با آنها بجنگم، آیا ای خاندان همدان من در این باره ستمکارم؟ زکریا گوید: من از نزد او بیرون شدم و احساس کردم قصدی دارد، و جریان او چنان شد که می‌دانیم. ابتدای کار زید چنان بود که خالد قسری مدعی شد که مالی از او در نزد زید بن علی و محمد بن عمر و... می‌باشد. یوسف بن عمر که از طرف هشام بن عبدالمطلب در عراق حکومت داشت نامه‌ای در این باره به هشام نوشت و از او کسب تکلیف کرد، هشام زید و محمد بن عمر را خواست و موضوع نامه را بدانها گفت و آن دو منکر شدند. هشام گفت: پس من شما را به نزد یوسف می‌فرستم تا او شما و خالد را در یک جا گرد آورد و این اختلافات را به پایان رساند. زید و همراهان به نزد یوسف که آن وقت در حیره مسکن داشت روان شدند، یوسف خالد را طلید و با آنها روبرو کرده بدو گفت تو مدعی بودی که از زید و عمر بن علی مالی می‌خواهی؟ خالد گفت: من هیچ طلبی از آنها ندارم. یوسف جریان را به هشام نوشت، هشام دستور داد آن دو را آزاد کردند. زید از کوفه ناچار

به قادسیه رفت و در آنجا شیعیان به دیدار او آمده گفتند: به کجا می روی با این که  
 صد هزار مرد شمشیرزن از اهل کوفه و بصره و خراسان با تو همراهند و همگی  
 حاضرند به روی بنی امیه شمشیر بکشند و شامیان در برابر ما افراد اندکی هستند که  
 تاب مقاومت با ما ندارند؟ زید به سخن آنان توجّهی نکرد ولی آنها پافشاری کرده  
 تا بالاخره پس از پیمانهای محکمی که با او بستند او را به کوفه باز گردانیدند. زید  
 یاران خود را دستور داد تا آماده کار شوند، و از آنها هر کدام به پیمان خود وفادار  
 بود آماده شد. زیدیان ابتدا در بیابانهای عبدالقیس با جعفر بن عباس کندی که از  
 طرف یوسف بن عمر فرماندار کوفه برای سرکوبی ایشان آمده بودند  
 برخورد کردند، لشکریان دشمن بر اینها حمله بردند و در این واقعه قاسم بن عمر از  
 یاران زید به شهادت رسید. یوسف بن عمر «ریان بن سلمه» را با لشکری که حدود  
 دو هزار سوار بودند به جنگ زید فرستاد و سیصد نفر پیاده نیز از تیراندازان قبیله  
 «قیقانیّه» به همراه آنها روانه کرد. از آن سو زید دید تمامی کسانی که به او  
 پیوسته اند دویست و هیجده تن تیرانداز پیاده بیش نیستند، پرسید پس بقیه مردم کجا  
 هستند؟ بدو گفتند: آنها در مسجد محاصره شده اند، زید فرمود: نه به خدا این حرف  
 برای کسی که با ما بیعت کرده عذر محسوب نمی شود. با این حال سپاهیان شام با  
 آن کثرت، تاب مقاومت در برابر سپاه زید را نداشتند. در این موقع عباس بن سعد  
 کسی به نزد یوسف بن عمر فرستاد و شجاعت و پایداری همراهان زید را به اطلاع او  
 رساند و از او خواست تا تیراندازان را به کمک او بفرستد؛ یوسف، سلیمان بن  
 کیسان را به همراه قیقانیّه که همگی از قبیله بنی نجار و تیرانداز بودند به کمک او  
 فرستاد؛ آنها آمدند و اصحاب زید را تیرباران کردند در این وقت اسحاق بن عمّار  
 خود را به لشکرشام زد جنگ سختی کرد تا پیش روی زید کشته گشت. زید و  
 همراهان همچنان پایداری کردند تا چون نزدیکهای شب شد تیری بیامد و بر  
 پیشانی چپ زید اصابت کرد و تا مغز سر فرورفت. زید را طیب فائدت نیامد و از  
 آن حادثه جان سپرد. پس از مرگ زید یارانش برای محل دفن او گفتگو کردند و  
 شبانه در عباسیه دفن کردند. اما یوسف از محل دفن زید آگاه گشت و دستور داد  
 جنازه زید را از آنجا بیرون آوردند و بر شتری بسته به سوی قصر دارالاماره آوردند و  
 در کناسه بر دار کشیدند سپس پیکرش را سوزانیده خاکستر آن را به فرات ریختند و  
 این به روایتی در روز جمعه ماه صفر سال ۱۲۱ هـ. بود»<sup>۵</sup>.

راقم این مقال گوید: نظیر چنین اعمال وحشیانه و ناپسند، عباسیان بر سر بنی امیه آوردند؛ آنان به عمال خویش در تمام ممالک اسلامی امر کردند که هر جا بنی امیه بود از پا در آورند؛ این بود که عده کمی از آنان از مرگ حتمی نجات یافتند. عبدالله بن علی عموی سفاک کینه توزی را تا به آنجا کشانید که گورهای امویان را شکافت و تنشان را از خاک در آورد، او جسد هشام را که تا به آن روز نهوسیده بود از گور در آورده هشتادتا زیانه بزد و سپس جسد را سوزانید.<sup>۶</sup>

### فرقه زیدیه

پس از رحلت امام زین العابدین (ع) شعبان حسنی و حسینی در باب جانشینی وی اختلاف کردند گروهی قائل به امامت زید فرزند امام زین العابدین شدند و از این رو آن گروه را زیدیه گفتند. فرقه زیدیه امام را از اولاد علی (ع) دانند، خواه از فرزندان حسن (ع) و یا حسین (ع) باشد. دیگر این که قائم به شمشیر و قادر به دفاع باشد، از این جهت امامت کودک را نمی پذیرند، عصمت را در امامت شرط ندانند و قائل به رجعت نیستند. آنان به اعتراف به برتری علی (ع) لعن شیخین را جایز نمی دانند و خلافت آنان را می پذیرند. عبدالجلیل رازی در النقض، ص ۴۵۸ می نویسد: زیدیان طایفه ای از مسلمانان و امت محمد (ص) که به عدل و توحید خدای و عصمت انبیاء معترف باشند و بعد از مصطفی (ع) امام به حق، علی مرتضی (ع) را دانند، و نص خفی گویند و معصوم دانند علی را و حسن و حسین را. و بعد از زین العابدین (ع) امامت در زید بن علی (ع) دعوی کنند و بیشتر فقه ابوحنفیه باشد و ایشان را نیز اجتهادی باشد موافق مذهب فریقین و قیاس در مسائل تفریعات روا دارند به خلاف مذهب شیعه.

از آنجا که زید بن علی (ع) شاگرد و اصل بن عطاغزال پیشوای معتزله بود، زیدیه پس از وی پیر و اهل اعتزال شدند. در تبصرة العلوم آمده است: بدان که اعتقاد زیدیان در اصول کلام، اعتقاد معتزله بود... و نزد ایشان قیاس و رأی و اجتهاد و استحسان، دلیل شرعی بود. و مذهبشان قیاس و استحسان باشد. زید از شیوخ ابوحنفیه بود و ابوحنفیه با او بیعت کرد و سی هزار درهم برای او فرستاد و مردم را به یاری او فرستاد.

مقریزی در کتاب الخطط خود بتفصیل به ترجمه حال او پرداخته است. این فرقه از دیگر فرق شیعه به مذهب تسنن نزدیکترند.

«ادارسه» یا «ادریسیان» که سرسلسله آنان ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن

علی (ع) بود و از ۳۱۲ تا ۳۷۵ بر مراکش و افریقای شمالی حکومت می کرد اولین دولت مستقل شیعه علوی در اسلام به شمار می رود. و نیز دولت ائمه رسی در سعدا یمن (۲۸۰ تا حدود ۷۰۰ هـ)؛ و علویان طبرستان (۲۵۰ - ۳۱۶ هـ) از زیدیه بودند. مردم یمن زیدی مذهبند و تا پیش از جمهوریت امام ایشان در شهر صنعا می زیست.

چند سال پیش مجمع علمی میلانو کتابی در فقه به نام «مجموع فی الفقه» به روایت ابو خالد واسطی از زیدبن علی منتشر کرد که اگر نسبت آن کتاب به واسطی درست باشد، اولین کتاب فقه اسلامی است که به دست ما رسیده است.<sup>۷</sup>

### ائمه زیدیه

۱- زیدبن علی بن الحسین (ع) در صفر سال ۱۲۲ هجری در کوفه خروج کرد و به دست یکی از غلامان یوسف موسوم به عمر بن هیبره کشته شد.

۲- یحیی بن زیدبن علی (ع)، به خراسان و در مسجد سائزوار ظاهر گشت و در رمضان سال ۱۲۶ هجری در جوزجان به کیفیتی که ذکر آن گفته آمد شهید شد.

۳- محمد النفس الزکیه، به سال ۱۰۰ هجری متولد شد و در جمادی الآخر سال ۱۲۵ هجری و به قولی در رمضان سال ۱۴۵ هجری خروج کرد و به دست حمیدبن قحطیه کشته شد.

۴- ابراهیم بن عبدالله برادر نفس الزکیه، در بصره خروج کرد؛ عیسی بن موسی از سوی منصور مأمور مصاف با او شد، لکن در نبرد با ابراهیم منهزم شد. ابراهیم از تعاقب عیسی بن موسی بازماند، تبری بی هدف بیامد و بر ابراهیم اصابت کرد و در محلی به نام خمری و به سال ۱۴۵ هجری شهید شد.

۵- الحسین بن الفحی. و او ابو عبدالله الحسین بن علی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب (ع) در ذی القعدة سال ۱۶۹ هجری خروج کرد، در خطبه ای در مدینه گفت: من فرزند رسول خدا هستم، بر منبر رسول خدا، در حرم رسول خدا، و دعوت می کنم امت را به کتاب خدا و سنت جدّم رسول الله (ص)، پس از این روانه فح گشت و در آن جا به ضرب نیزه حماد ترکی از پای در آمد.

۶- ابو عبدالله یحیی فرزند عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب (ع). در دیلم ظاهر شد، هارون الرشید او را بگرفت و در بغداد به زندان افکند و در زندان بماند تا جان سپرد.

۷- السید محمد و او ابواقاسم محمد فرزند ابراهیم طباطبا بود. به دعوت ابی السرایا از مدینه به سوی کوفه خارج شد و در جمادی الاول سال ۱۷۹ در آن جا ظاهر شد.

۸- ابوالقاسم بن ابراهیم بن اسماعیل؛ گویند ستاره آل پیامبر بود، مردم مکه، مدینه و کوفه، ری، قزوین، طبرستان، و دیلم با او بیعت کردند؛ ده سال در مصر اقامت گزید و در سال ۱۶۴ هجری درگذشت.

۹- ناصرالحق الاطروش، در شعبان سال ۳۰۴ هجری در آمل ظاهر شد، مدت سه سال و یک ماه حکم می راند.

۱۰- الداعی الی الله. و ابوالحسن بن القاسم به سال ۳۰۴ هجری وارد آمل شد، دوازده سال پس از ناصرالحق امارت آن جا را داشت.

۱۱- المرتضی لدین الله. به سال ۲۷۸ هجری زاده شد، فقیه و عالم بود و تصانیف بسیار داشت؛ در سال ۳۲۰ هجری در سعه درگذشت.

۱۲- الناصر لدین الله. بس عالم و شجاع بود به سال ۳۲۵ هجری وفات یافت.

۱۳- المهدی لدین الله. مادرش دختر فیروز دیلمی بود، به سوی فارس رفت، عمادالدوله بن بویه او را گرامی داشت، از فارس به جانب حوشم رفت و در آنجا اقامت گزید، حاکم طبرستان کس فرستاد و او را مسموم ساختند.<sup>۸</sup>

### نمودار نسب برخی از اعقاب زیدالشهید بن علی بن الحسین (ع)

زیدالشهید

عیسی موتم الاشبال<sup>۱</sup> یحیی<sup>۲</sup> محمد<sup>۳</sup> حسین ذوالدمعه<sup>۴</sup> عمر محمد<sup>۵</sup> یحیی<sup>۶</sup> جعفر الحسن<sup>۷</sup> یحیی<sup>۸</sup> علی<sup>۹</sup> محمد زید الشبیه<sup>۱۰</sup> علی<sup>۱۱</sup> یحیی عمر عیسی<sup>۱۲</sup> احمد محمد احمد محمد احمد المختفی<sup>۱۳</sup> حسین عضاره محمد علی<sup>۱۴</sup> محمد المکفل محمد حسین<sup>۱۵</sup> علی صاحب الزنج<sup>۱۶</sup> ابوالحسن القاضی داعی الاسماعیلیه<sup>۱۷</sup> علی موسی قاسم احمد محمد قاسم زید ابوجعفر محمد<sup>۱۸</sup> ابوالحسن محمد الاصغر<sup>۱۹</sup> احمد المحدث<sup>۲۰</sup> یحیی<sup>۲۱</sup> حسین نسابه<sup>۲۲</sup> ابوزید عیسی<sup>۲۳</sup> احمد<sup>۲۴</sup> ابوالحسن محمد<sup>۲۵</sup> عمر یحیی

۱- عیسی موتم الاشبال بن زیدالشهید. «وصی ابراهیم قتیل باخمیری بود و روایت او را به دست داشت، بعد از قتل ابراهیم پنهان شد تا وفات یافت. منصور دوانیقی فکر بسیار از او داشت و وصیت به پسر خود مهدی کرد که از او حاذر باشد، و گفت: این اموال که جمع کردم همه از بهر آن که اگر عیسی ظاهر شود در جنگ او خرج کنم. و عیسی در زمان مهدی وفات یافت، و «حاضر» که وزیر او بود، دو پسر او احمد المختفی و زید را به نزد مهدی آورد به وصیت عیسی، و در دارالخلافه بماندند تا زمان رشید. پس احمد مختفی خروج کرد و کار او بر نیامد، او را بگرفتند

و محبوس داشتند و از حبس بگریخت و تمام عمر خود را گریخته و پنهان بود.» (الفصول الفخریه، ص ۱۶۲).

۲- «قتل یحیی بجوزجان، و صلب فی طاق بابها، فلم یزل مصلوباً حتی ظهر امرابی مسلم بخراسان، فامر به فانزل و [و]وری و [هوالذی] تولی الصلوة علیه و دفنه، و تتبع جمیع من قاتله، فقتلهم الا من اعجزه منهم [ا] و سود [من] اهل خراسان.» (انساب الاشراف، ص ۲۶۳).

ابن عنبه گوید یحیی را در جوزجان شهید کردند (الفصول الفخریه، ص ۱۵۱). سید عمیدی می نویسد: «لا عقب له، قبره بقریه من اعمال بلخ» (المشجر الکشاف، ص ۱۰۷).

بنابر عبارات فوق یحیی را در جوزجان از اعمال بلخ شهید کرده اند و تا به روزگار ابومسلم خراسانی همچنان به دار آویخته بوده است، ابومسلم خراسانی او را از دار پایین آورده بر او نماز میت گذارده و به خاکش سپرده است. و همو به جستجوی قاتلان او پرداخته و آنها را به قتل رسانده است جز از آنها که از قتلشان عاجز بوده است.

۳- «و اما محمد بن زید الشهید، فعقبه من جعفر الرئیس الشاعر وحده، و کان له محمد بن محمد المؤید بالله احد الائمة الزیدیه، ولا عقب له، قتلا بمرو و قبر هما بها، و قبر محمد بشلکیانه، و قبر جعفر خلف سکه ساسان علی شط نهر سفر نرم» (الفخری فی النسب، ص ۵۱). یعنی نسل محمد بن زید الشهید از جعفر شاعر تنها و نسل جعفر مذکور از محمد و نسل محمد ایضاً از محمد مؤید بالله که یکی از ائمه زیدیه است و نسل ندارد، در مرو کشته شدند و قبرشان در آن جاست قبر محمد درشلکیانه و قبر جعفر در پشت قرارگاه پستی ساسان بر کنار نهر سفر نرم واقع است.

۴- الحسین ذوالدمعة بن زید الشهید «یکتی ابا عبدالله، و ولد بشام، و شهد حرب محمد و ابراهیم بن عبدالله بن الحسن المثنی و خاف بعد ابراهیم و تکفل به الصادق علیه السلام بعد قتل ایه و اخیه یحیی المقتول بالجوزجان المصلوب ایضاً علی بابها. و کان الحسین ورعاً، و یلقب ذالدمعة لیکائه، و مات وله ست و سبعون سنة.» (المجدی، ۱۵۹).

۵- محمد بن محمد بن زید الشهید، در آیام ابی السرایا خروج کرد و به دست شخصی کوفی کشته شد، او به هنگام شهادت ۵۰ سال داشت، اسماعیل الفقیه بر او نماز گذارد (لباب الانساب، ص ۱۴).

۶- یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین ذوالدمعه، «در زمان متوکل در خراسان قیام کرد، عبدالله بن طاهر حاکم خراسان او را دستگیر ساخت، متوکل دستور داد او را به عمر بن فرج رنجی بسپارند، عمر بن فرج با تندی با او سخن گفت، یحیی پاسخش را داده بدو دشنام گفت، عمر بن فرج جریان را برای متوکل نوشت، متوکل دستور داد چند تازیانه بدو بزنند، آن گاه او



را در خانه یحیی بن خاقان وزیر خود زندانی کرد و مدتی در آنجا بود تا این که آزاد شد و به بغداد رفت و مدتی در آنجا بسر برد تا این که به کوفه رفت و مردم را به رضا از خاندان محمد (ص) دعوت کرد، و در رفتار خود نیز با مردم از روی عدالت و خوش سلوکی عمل کرد و همچنان بود تا هنگامی که به قتل رسید. رضوان الله علیه «مقاتل الطالبین، ص ۵۹۱»

۷- ابوالفرج اصفهانی می گوید: «حسن بن حسین بن زیدالشهید، درقنطرة کوفه درجنگی که میان هرثمه و ابوالسرایا واقع شد به قتل رسید» (مقاتل الطالبین، ص ۴۷۵).

۸- ابوالحسین یحیی فرزند حسین ذوالدمعه به سال ۲۰۷ هـ در بغداد در گذشت، مأمون بر او نماز گذارد (سراالسلسله العلویة، پانوش، ص ۶۲).

۹- «علی بن الحسین. در بغداد بود و در اهواز در گذشت» (المشجر الکشاف، ص ۸۶).

۱۰- ابن عنبه می گوید زیدالشیه، کتابی در مقتل و هم کتابی مبسوط در نسب نوشته است (عمدة الطالب، ص ۲۸۵).

۱۱- علی. شاعر بود و دیوان شعر دارد، اولاد او را بنوالحماتی می گفتند و اکثرشان

در کوفه بودند (سراالسلسله العلویة، پانوش، ص ۶۸ و ۶۷) و نیز (لباب الانساب، ص ۲۴۸).

۱۲- عیسی بن یحیی. وصی ابراهیم فرزند عبدالله محض و حامل رایت او بود، پس از

کشته شدن ابراهیم همچنان مخفی بود تا زمانی که در گذشت. (الفخری فی النسب، پانوش، ص ۴۳).

۱۳- احمد المختفی. کنیه اش ابو عبدالله و مادرش عاتکه دختر فضل بن عبدالرحمن بن

عباس بن ربیعة بن حارث بن عبدالملک بود؛ او مردی دانشمند و فاضل بود و شخصیتی ممتاز داشت، در روز دوم محرم سال ۱۵۷ هـ به دنیا آمد، پس از سالها آوارگی به روزگار متوکل پلید و در سال ۲۴۷ هـ در بصره در گذشت (مقاتل الطالبین، ص ۵۷۴ و بعد).

۱۴- علی بن محمد بن عیسی موتم الاشبال معروف به عراقی بود، در زمان معتصم خروج

کرد و کشته شد (الشجرة المبارکة، ص ۱۴۳).

۱۵- حسین بن محمد بن حسین غضاره. قبر او در خسروجرد نزدیک سبزوار است (عمدة

الطالب، پانوش، ص ۲۹۷).

۱۶- علی بن محمد صاحب الزنج معرب (صاحب الزنگ) به سال ۲۵۵ هـ و در زمان

خلافت مهدی رهبری انقلاب بردگان سیاه جنوب را به عهده گرفت، در اندک مدتی توانست شهرهای: بصره، اهواز، آبادان، ابنه، بیان،... را به تصرف خویش در آورد و حدود ۱۵ سال بر این نواحی حکمرانی کند، لکن موفق با لشکری گران بر او یورش برده انقلاب بردگان را

سخت درهم شکست؛ صاحب الزنج به قتل رسید و بدین وسیله قیام زنگیان به سال ۲۷۰ هـ به افسانه پیوست. در باب اصل و نسب صاحب الزنج، مورخان نسب شناس اختلاف نظر دارند (المجدی، ص ۱۸۹ و نیز عمدة الطالب، ص ۲۹۱).

۱۷- ابن عنبه گوید: از فرزندان احمد بن زید الشیبه، ابوالحسین القاضی داعی، اسماعیلیه بن محمد بن احمد مذکور نسل دارد. (الفصول الفخریة، ص ۱۵۲).

۱۸- ابو جعفر محمد شکاربان عضدالدوله بود، سپس ولایت موصل یافت اما به دست بنو حمدان کشته شد (المجدی، ص ۱۸۱).

۱۹- ابوالحسن محمد الاصفغر. نقیب علویان درازجان (بههان) بود. در واقعة دلام (دیالمه) با ابی کالجار به قتل رسید (عمدة الطالب، ص ۲۶۹).

۲۰- احمد المحدث را تنها از حسین نسابه نسل بماند (عمدة الطالب، ص ۲۷۴).

۲۱- یحیی بن عمر. از اکابر ائمة زیدیه بود، در قریه شاهی (با کسایا) از قراء کوفه شهید شد (الفصول الفخریة، ص ۱۵۹).

۲۲- حسین نسابه. اولین کسی بود که دانش انساب را به صورت مشجر درآورد، و نام کتابی را که به شیوة مشجر تألیف کرد، «الفصون فی آل یاسین» نام نهاد. از طبری مورخ مشهور منقول است که حسین نسابه به سال ۲۵۱ هـ از مدینه به عراق آمد و بر مستعین بالله خلیفه عباسی وارد شد، و از او درخواست کرد، که شخصی را برای نقابت طالبیون برگزیند، خلیفه مذکور پس از مشورت با اشراف، شخص حسین را به این کار برگزید؛ و پس از او اولاد و احفادش در این سمت باقی بودند (جامع الانساب، ص ۳۸).

۲۳- ابوزید عیسی. فقیه، متکلم، و از علما زیدیه بود و به سال ۱۵۸ هـ در ری بود (سرتالسلة العلویة، ص ۶۳).

۲۴- احمد بن عیسی فقیه، عالم و پرهیزکار بود، به سال ۱۵۸ هـ در گذشت، او در آخر عمر نابینا شد (الفخری، پانوش، ص ۴۳).

۲۵- ابوالحسن بن محمد مردی وجه و متمول بود، هیچ یک از علویین را در حد او املاک و اموال نبود، گویند: او در یک سال ۷۸ هزار جریب زمین کشت می کرد. بهاء الدوله فرزند بویه یک میلیون دینار از او مصادره کرد و دو سال به بندش افکند، و نیز به هنگام رهایی از بند، وی را به پرداختن نود هزار دینار ملزم ساخت (عمدة الطالب، ص ۲۷۸).

مآخذ:

- ۱- ملک الکتاب شیرازی، ریاض الانساب، جلد ۲، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۳۳۵ هجری، ص ۱۹ و ۱۸.
- ۲- مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، جلد ۲، چاپ ۱۳۵۴، ص ۲۵۳ و بعد.
- ۳- شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، چاپ ۱۳۶۵، ص ۱۹۸ و ۱۹۷.
- ۴- انساب الاشراف، احمد بن یحییٰ بلاذری، جزء سوم، چاپ بیروت، ۱۳۹۴ هجری، ص ۲۲۹ و بعد.
- ۵- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ترجمه محلاتی، تصحیح غفاری، ص ۱۲۹ و بعد.
- ۶- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه جواهر کلام، چاپ ۱۳۵۲، ص ۷۵۷.
- ۷- تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، محمد جواد مشکور، چاپ ۱۳۶۸، ص ۵۹ و بعد. و نیز تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، چاپ ۱۳۶۹، ص ۱۸ و بعد.
- ۸- ابوالحسن علی بن زید بیهقی، لباب الانساب، تصحیح سید مهدی زنجانی، چاپ قم، ۱۴۱۰ هجری، ص ۳۳۱-۳۲۷، (متن عربی)

فهرست اجمالی منابع عناوین و القاب نمودار

- ۱- جمال الدین بن عبه، الفصول الفخریه، به کوشش میر جلال الدین ارموی، چاپ ۱۳۴۶ خورشیدی.
  - ۲- احمد بن یحییٰ بلاذری، انساب الاشراف، جزء سوم، چاپ بیروت، ۱۳۹۴ هجری.
  - ۳- شمس الدین محمد العمیدی، المشجر الکشاف لاصول السادة الاشراف، چاپ مصر، ۱۳۵۵ هجری.
  - ۴- عزالدین ابی طالب، الفخری فی انساب الطالبیین، تصحیح سید مهدی زنجانی، چاپ قم، ۱۴۰۹ هجری.
  - ۵- شیخ ابوالحسن العمری، المجدی فی انساب الطالبیین، چاپ قم، ۱۴۰۹ هجری.
  - ۶- ابوالحسن علی بن زید بیهقی، لباب الانساب، تصحیح سید مهدی زنجانی، چاپ قم، ۱۴۱۰ هجری.
  - ۷- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ترجمه محلاتی، تصحیح غفاری، تهران، کتابفروشی صدوق.
  - ۸- شیخ ابونصر نجاری، سزالتسلسله العلویة، چاپ نجف، ۱۳۸۱ هجری.
  - ۹- جمال الدین بن عبه، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، چاپ قم، ۱۳۶۲ خورشیدی.
  - ۱۰- امام فخر رازی، الشجرة المباركة، تصحیح سید مهدی زنجانی، چاپ قم، ۱۴۰۹ هجری.
  - ۱۱- روضاتی، سید محمد علی، جامع الانساب، چاپ ۱۳۳۵ خورشیدی.
- آنچه در این مقاله از متون عربی گرفته شده نگارنده ترجمه کرده است.